



بازتاب جایگاه نقش تیر و کمان در تاریخ و فرهنگ ایران

فخرالدین محمدیان* خدیجه شریف کاظمی** رضا مهر آفرین***

چکیده

قدمت تیر و کمان در ایران، فراتر از تاریخ، به عصر اسطوره‌ها بازمی‌گردد. این سلاح نه تنها به‌عنوان ابزاری کاربردی در امر شکارورزی و نظامی در ساختار سیاسی و اقتصاد معیشتی جوامع کهن ایرانی به‌شمار می‌رفت، بلکه در پیوند با مفاهیم نمادین، جایگاهی ویژه و قابل تأمل در تاریخ و فرهنگ گذشته این سرزمین داشته است. در فرآیند تاریخ، تجلی چشمگیر و معنادار این ابزار، در آثار ارزشمند و فاخر هنری و ملی به نمایش درآمده و به اهمیت این ابزار در بیان ایدئولوژی و ساختار سیاسی و فرهنگی جامعه ایرانی پرداخته می‌شود. این مقاله سعی دارد با مطالعه بازتاب نقش تیر و کمان در آثار هنری، به پرسش؛ هویت و جایگاه نمادین تیر و کمان در روند تاریخ و فرهنگ سرزمین ایران از پیش از تاریخ تا دوره اسلامی چگونه جلوه نموده است؟ پاسخ دهد. روش انجام پژوهش، تاریخی-تحلیلی بوده و یافته‌اندوزی داده‌ها، با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است. هدف از این پژوهش، شناخت و تبیین چگونگی مفهوم نقش تیر و کمان در آثار به‌جای مانده از ادوار گذشته ایران است. نتایج مطالعات نشان می‌دهند که نقش تیر و کمان در آثار دوره پیش از تاریخ و نیز آثار هنری و ارزشمند دوره تاریخی در نقش برجسته‌ها، مهرها، پلاک‌ها، نقوش دیواری و سکه‌ها، افزون بر تأثیر حیاتی بر فنون و عملیات نظامی، در پیوند با آیین و مفاهیم نمادین و فرهنگی زمان خود تجلی یافته است. در دوره اسلامی، کهن‌الگوی تیر و کمان به‌دلیل تجلی فرهنگ و اندیشه اسلامی، از معنا و مفاهیم نمادین ادوار قبل از خود فاصله گرفته و اغلب ساختار هویتی خود را در قالب مفاهیم سمبلیک به‌ویژه در ارتباط با نجوم نمایان می‌کند. ارائه ایدئولوژی جدید توسط اسلام نه تنها از بعد ماهوی، بلکه از نظر ساختاری نیز بر نوع دست‌ساخته‌های هنری تأثیرگذار بود. در این دوره، تیر و کمان اغلب در نگاره‌ها، ظروف فلزی، کاشی و منسوجات جلوه می‌کند. هر چند ساختار سیاسی و فرهنگی جوامع طی ادوار مختلف دستخوش تغییرات می‌شود، اما آن چه مهم می‌نماید حفظ بُعد معناسناسانه و جایگاه مفاهیم نمادین تیر و کمان در روند تحولات تاریخی و فرهنگی سرزمین ایران بوده است.

کلیدواژه‌ها: تیر و کمان، مفاهیم نمادین، آثار هنری، ادوار گذشته، ایران

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر (نویسنده مسئول مکاتبات).

fakhredin.gh@gmail.com

khadijehshrf@gmail.com

Reza.mehrfarin@gmail.com

** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

*** دانشیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر.

مقدمه

در میان دولت‌های هزاره دوم پیش از میلاد پرداخته است. هم‌چنین نکونام (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان "جایگاه و نقش تیر و کمان، تیردان، از دوره هخامنشی تا اشکانی بر اساس منابع باستان‌شناسی، منابع مکتوب و زبان‌شناسی"، به اهمیت نقش کمان در دو دوره یادشده می‌پردازد. در این پژوهش سعی شده ضمن مطالعه آثار بر جای مانده از ادوار گذشته که به‌گونه‌ای در پیوند با نقش تیر و کمان جلوه یافته‌اند، به تبیین مفاهیم نمادین و بعد معناشناسانه آنها نیز پرداخته شود. با توجه به این‌که تا کنون طی یک فرآیند، مطالعه‌ای جامع در ارتباط با روند چگونگی حضور منسجم نقش تیر و کمان در آثار بر جای مانده از تاریخ و فرهنگ ادوار گذشته سرزمین ایران صورت نپذیرفته، ضرورت انجام این تحقیق بیان می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش پیش رو، با رویکرد تاریخی-تحلیلی انجام شده و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. در فرآیند این پژوهش، اطلاعات مورد نظر، با بهره‌گیری از اسناد مکتوب که شامل منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است، انجام پذیرفته و سپس با توصیف، تحلیل و ارزیابی، تداوم یافته‌اند. محدوده زمانی پژوهش پیش رو، از دوره پیش از تاریخ تا دوره‌های تاریخی و اسلامی بوده و در قلمرو جغرافیایی سرزمین ایران انجام پذیرفته است.

تیر و کمان و حضور آن در اسطوره

کمان در اوستا، ثنور یا ثنون^۱ خوانده شده است. ثنج که در اوستا جداگانه بسیار به کار رفته، بنیاد این واژه و به‌معنای کشیدن است. تیر هم از "تیگر"^۲ پارسی باستان بوده که در اوستا "تیگر" است و نباید با نام چهارمین ماه از سال و با نام سیزدهمین روز از ماه که تیر خوانده شود، اشتباه گرفت. این تیر از "نیشتریه"^۳ نام فرشته باران آمده است (پورداوود، ۱۳۴۶: ۲۹-۳۲). به تعبیری، کمان به‌معنای کشش و نماد مهر است و پیوندی خاص با شکار و جنگ دارد. در جوامعی با سلسله مراتب مذهبی، گستره نمادگرایی کمان، از عمل خلاق شروع شده تا به جستجوی کمال می‌رسد و کاری شاهانه است؛ در عین حال، کار شکارگران و تمرینی روحی به‌شمار می‌رود و نماد سرنویشت را با خود دارد. کمان در همه جا سلاخی شاهانه است. تیر، برای جنگیدن با دشمن است و از نظر آیینی، برای مبارزه با حیوان تمثیلی بوده؛ بنابراین، نماد دانش و آگاهی است. کماندار، هم‌ذات کمان خویش بوده و نماد میل به تصاحب است؛ از این‌رو کمان، نمونه‌ای از ساختاری

منشأ و تاریخ پیدایش تیر و کمان، در هاله‌ای از ابهام است. حضور این ابزار در باورهای کهن اسطوره‌ای، حکایت از قدمت بسیار آن دارد. در ایران نیز همانند بسیاری از جوامع، با اهداف گوناگون از ابزار تیر و کمان استفاده شده است. برای ساخت کمان، از نوعی مغز چوب درونی با پوسته شاخی محافظی در طرف روبه‌روی کمانگیر و نوعی لایه خارجی استحکام‌بخش از جنس زرپی استفاده می‌شد. در واقع، کاربرد ابزار کمان، نوعی «بازتاب» بوده؛ بدین معنا که انحنای آن پیش‌ساخته است. زه کمان اغلب با تارهای ابریشمی به‌همراه تیرها، از نی یا چوب توسط صنعت‌کاران ساخته می‌شد. پیکان‌های تیر به اشکال و اندازه‌های مختلف و هم‌چنین پرهای تیر، با پر پرندگان شکاری ساخته می‌شدند. تجهیزات فرعی تیر و کمان شامل؛ ترکش و حلقه فلزی برای انگشت شست بودند (حسن، ۱۳۷۵: ۱۳۵). زه کردن کمان، کاری بس دشوار بود و از این‌رو، یکی از توانایی‌های جنگاوران به‌شمار می‌رفت. آن‌چه قابل تأمل می‌نماید، حضور تیر و کمان در قالب مفاهیم نمادین و بعد معناشناسانه آن در تاریخ و فرهنگ ایران است. در حقیقت، نقش تیر و کمان در آثار هنری ادوار گذشته ایران می‌تواند نشانگر پدیده دیگری جز خود باشد و با ظهور خود، امر دیگری در پس خود را نمودار سازد. تجلی چشمگیر این ابزار در آثار ارزشمند و شاخص هنری و ملی در طول تاریخ، از اهمیت و نقش وافر این ابزار در تحولات سیاسی و فرهنگی جامعه ایرانی حکایت می‌کند. در طول تاریخ و تمدن ایران، نگرش فرهنگ‌ها به این ابزار، گوناگون و متأثر از شرایط تاریخی و آیینی زمان خود بوده است. پژوهش پیش رو افزون بر شناخت جایگاه مفاهیم نمادین تیر و کمان در روند تحولات تاریخی و فرهنگی ادوار گذشته سرزمین ایران، به مقایسه تطبیقی نحوه نمایش آن در آثار هنری می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در ارتباط با نقش تیر و کمان در اسطوره و دوره‌های پیش از تاریخی تا دوره‌های اسلامی توسط محققان انجام شده‌اند. بیشتر این مطالعات به‌طور تخصصی از هزاره دوم پیش از میلاد تا دوره تاریخی، پارتی را در بر گرفته‌اند. میلر و همکاران (۱۹۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «روش تجربی به تیراندازی با کمان در شرق باستان»، به ساخت کمان و فنون تیراندازی اشاره کرده‌اند. زوترمن (۲۰۰۳) در پژوهشی دیگر با عنوان "کمان در شرق باستان با نگاهی به تیراندازی از هزاره دوم تا دوره هخامنشی"، به مطالعه اجزای کمان و مقایسه آنها از لحاظ اجزا و روش ساخت کمان و فنون تیراندازی

نام آرش در لاتین، با واژه «Archerious» آمده است. فاتحان مسلمانان، او را قوس نامیدند. برج قوس، همان صورت فلکی "رامی"^۴ است (ورجاوند، ۱۳۸۴: ۴۴۳). مصفی، صورت فلکی قوس یا رامی را چنین وصف می‌نماید؛ قوس آتشی، گرم، خشک و نیز تر است. تن بلند و روی نکو و چشم گرد و ریش کشیده از قوس است. از جای‌ها، دشت‌های هموار، عبادتگاه، انبارهای اسلحه و ستورگاه گاوآن از قوس هستند (۱۳۵۷: ۶۰۶). در نجوم قدیم، قوس برج نهم است (عابد دوست و کاظم پور، ۱۳۸۸: ۸۵). صورت قوس یا رامی، صورت بزرگی در نیمکره جنوبی در منطقه البروج است. صورت قوس هم‌چون اسبی ماند تا بگرد نگاه، از آنجا نیمه زیرینش بر شبه آدمی شود و گیسو فرو هشته از پس، و تیر و کمان نهاده و سیر کشیده (بیرونی، ۱۳۱۸: ۹۱).

تیر و کمان در دوره پیش از تاریخی

هنر صخره‌نگاری، تلاشی در جهت بازگویی باورها و اعتقادات پیشینیان است. مهم‌ترین نقوش دوره‌های پیش از تاریخی شامل؛ گروه‌های اسب‌سوار و مناظر جنگ و جدال و شکار حیوانات با تیر و کمان هستند. از این‌رو، در نقوش صخره‌ای دوران پیش از تاریخ، «کمان»، سهم عمده‌ای در میان سایر نقوش دارد. از جمله قدیمی‌ترین آثار تصویری یافته‌شده در ایران، دیوارنگاره‌های غارهای لرستان متشکل از صحنه‌های رزم و شکار حیوانات و حیوانات منفرد هستند؛ به‌عنوان نمونه، در میرملاس شهرستان کوه‌دشت لرستان، بر دیواره غاری متعلق به ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد، سوارکار کمانداری تصویر شده است (شکل ۱ الف). در دشت توس، آثار نگاره‌های انسانی شکارگر، بر صخره‌های متعددی متعلق به دوره‌های پیش از تاریخی بر جای مانده که به‌صورت ایستاده یا نیم‌خیز با کمان، در حال تیراندازی به‌طرف حیوانات مختلف هستند (شکل ۱ ب) (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۳۱). سنگ‌نگاره‌های دیگری با چنین مضمون؛ مانند غار دوشه لرستان و میمند کرمان وجود دارند. افزون بر نقوش کمانداران در سنگ‌نگاره‌ها،

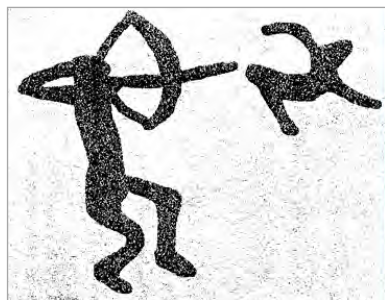
با نظم سه وجهی بوده که به‌واسطه عناصر متشکله یعنی کمان، زه و تیر که از طریق مراحل عملکرد آن که کشیدن، نگهداشتن و پرتاب است، حاصل می‌شود (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۶۰۴-۶۰۰). «تاریخ روشنگر آن است که ایرانیان، همگان از آزاده و رهی، سپاهی و برزگر، ناگزیر به فراگرفتن تیراندازی بودند و برای آن‌که در این ورزش سرآمد گردند و در پیکار با دشمنان پیروز شوند، شکار جانوران، به‌ویژه ددان را فراوان ارج می‌نهادند و تیراندازان گزیده و چابک‌دست را نیز سخت گرامی می‌داشتند» (حکمت، ۱۳۵۰: ۲۸۷).

ایرانیان کهن، یکی از صور فلکی را به‌شکل تیراندازی برای جاودانه ساختن نام آرش پهلوان، به‌نام ایرانی خوانده‌اند. تیرگان، روز تیر انداختن آرش بود در صلح منوچهر و افراسیاب و تعیین حد میان ایران و توران (صدیقیان، ۱۳۷۵: ۳۱۸). داستان آرش کمانگیر، برای نخستین بار، در یشت هشتم و در تشبیهی به آن اشاره شده است؛ مضمون آن، تیراندازی آرش برای تعیین حدود خاک ایران و توران است (پورداوود، ۱۳۴۶: ۳۵). در اوستا و متون پهلوی پیش از اسلام و نیز منابع تاریخی اسلامی، آرش، بهترین تیرانداز معرفی می‌شود. آرش، به‌فرمان منوچهر که از خداوند فرمان گرفته بود، جان خود را در تیر نهاده و با پرتاب تیر، هستی مادی خود را ترک گفته و محبوب یک ملت می‌شود تا بدان آنجا که جشن تیرگان به‌سان یک جشن ملی، حتی اگر قبل از او موجود بوده باشد، با نام او گره خورده و با حماسه او در هم می‌آمیزد (خدایار و امامی، ۱۳۸۹: ۷۰، ۷۳). داستان آرش کمانگیر اگر چه در متن‌های پیش از اسلام آمده، اما شکل کامل آن در دوره اسلامی جلوه نموده است. در واقع، اهمیت و ارتباط معنادار این سلسله به امر تیراندازی، سبب شده است که تبار آنان را به قهرمان اسطوره‌ای ایرانی با ویژگی برجسته «کمانداری» نسبت دهند.

بزرگان که از تخم آرش بدند

دلیر و سبک‌بار و سرکش بدند

(فردوسی، ۱۳۸۸)



شکل ۱ ب. شکارچی، سنگ‌نگاره‌های دشت توس (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۳۸)



شکل ۱ الف. شکارچیان با تیر و کمان، غار میرملاس، لرستان (پاکباز، ۱۳۷۹: ۱۶)

در نقوش سفالی، این نقش با تأکید بر شکارورزی تصویر شده است. در کهن‌ترین آثار مکشوفه موجود، اشکال انسانی معمولاً اغراق شده به نمایش درآمده‌اند. این نقوش به صورت انفرادی یا جمعی، روی سفال‌ها دیده شده و بیانگر قدرت و عظمت فرد هستند. بر روی سفالی یافته از شوش، نقش شکارگری به تصویر آمده که کمان خود را خم می‌کند (شکل ۲). این در حالی است که در برخی اشیای فلزی به دست آمده از سده نهم پیش از میلاد، خدایان، دارنده کمان هستند. در جامی یافته از حسنلو که مملو از نقوش اسطوره‌ای است، سه خدا در قسمت بالای جام تصویر شده‌اند؛ یکی از خدایان (خدای هوا) در حالی که کمانی در دست دارد، سوار بر اربه‌ای است که به وسیله یک گاو نر کشیده می‌شود (شکل ۳). در جلوی او، کاهنی ایستاده و جام بلندی در دست دارد (پرادا، ۱۳۸۳: ۱۳۲-۱۳۴).

جایگاه و نقش تیر و کمان در دوران تاریخی

بحث شکارگری در دوره‌های پیش از تاریخی و وابسته بودن زندگی و جوامع اولیه به این فعالیت، مهم‌ترین تأثیر خود را بر روی ساختار سیاسی در دوره‌های تاریخی گذاشته است. شیوه‌های جنگی به دلیل استفاده از کمان و تیراندازی، نیازمند مهارت و توانایی ویژه‌ای در هدف‌گیری بودند؛ بنابراین در دوره‌های تاریخی، هر یک از پادشاهان به این ویژگی و توانایی خود می‌بالیده و بر روی آثار هنری گوناگون دوران خود از این مهارت یاد کرده‌اند. این فرآیند، در دوره‌های عیلام، ماد، هخامنشیان، پارت‌ها و ساسانیان قابل تأمل است. در دوره عیلام، سلاح تیر و کمان با وجود این که ابزاری جنگی است، اغلب در ارتباط با اسطوره‌ها بیان می‌شود. در

کاوش‌های محوطه هفت تپه که متعلق به دوران عیلام میانی است، یک پلاک مفرغی تزئینی (که ابعاد آن $10 \times 7/5$ سانتی‌متر است) در ورودی فضای تالار کشف شده و در این پلاک، نقش خدایی که احتمالاً رب‌النوع نرگال است دیده می‌شود. این ایزد به صورت ایستاده و در حالی که کمانی در دست چپ و تبری در دست راست دارد، بر پشت شیری همراه با بانویی در برابرش زانو زده و شخصی در حال نیایش در پشت سر او نمایش داده شده است (نگهبان، ۱۳۹۱: ۴۸) (شکل ۴). تاریخ ماد به دلایل مختلفی مانند توانایی در متحد نمودن قبایل و شکست آشور (هرودوت، ۱۳۸۹: ۱۰۳-۷۶) و دیگر این که این حکومت، سرآغازی بر امپراطوری عظیم هخامنشی بوده، به عنوان یکی از دوره‌های مهم تاریخی ایران یاد می‌شود. ابزار تیر و کمان در این دوره، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به گفته هرودوت، «در زمان کیاکسار (هوخستره)، کمانداران به عنوان یکی از دسته‌های نظامی در تقسیمات لشکری بودند» (همان: ۱۰۲). محوطه نوشیجان، مکانی است که نه تنها می‌توان آن را از مهم‌ترین محوطه‌های دوره مادی به شمار آورد، بلکه می‌توان از آن به عنوان معیار و الگویی برای مادی بودن سایر محوطه‌های مختص یاد نمود. «در کاوش‌های محوطه مادی نوشیجان در ملایر طی سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۷ به سرپرستی دیوید استروناخ، در فضای تونل محوطه، یک قطعه شیء گلی (ابعاد این قطعه گلی $3/6 \times 4/8$ سانتی‌متر است) پیدا شد که بر روی آن، اثر یک مهر استوانه‌ای دیده می‌شود. این مهر، نقش کمانداری را در حال تیراندازی به مار بزرگ و برآمده‌ای نشان می‌دهد (ملازاده، ۱۳۹۳: ۱۶۵) (شکل ۵). با توجه به نقش مهم این محوطه در دوره ماد و هم‌چنین کاربرد و اهمیت سیاسی، فرهنگی (آیینی) و اقتصادی مهر در این



شکل ۴. خدای نرگال، کتیبه برنزی از هفت تپه، عیلام میانی (نگهبان، ۱۳۹۱: ۴۸)



شکل ۳. آبخوری طلا، کمان در دست خدای هوا، سده ۹ ق.م. (گریشمن، ۱۳۷۱: ۲۹)



شکل ۲. نقش کمان بر سفال شوش، هزاره سوم ق.م. (گریشمن، ۱۳۷۷: ۲۴)

دوره، جایگاه ماهوی تیر و کمان در جامعه آن دوران تبیین می‌شود. هم‌چنین در این دوره، می‌توان به نقش برجسته‌های گوردخمه قیزقاپان اشاره کرد. بر بالای درگاه و در میان قاب فرورفته، نقش برجسته مهمی کار شده که دو شخص در طرفین یک آتشدان را نمایش می‌دهد. اشخاص نمایش داده‌شده، دست راست خود را به‌حالت احترام به‌طرف آتش گرفته و در دست دیگر، کمانی نگه داشته‌اند (همان: ۱۳۸-۱۳۱) (شکل ۶). در این نقش برجسته، تیر و کمان در دست نگهبانان به‌صورت غلاف‌شده تصویر شده است که نشان از احترام به جایگاه آتش دارد. تیر و کمان در این‌جا نه تنها به‌عنوان یک ابزار حفاظتی استفاده شده، بلکه به‌عنوان شی‌آیینی و در ارتباط معنادار با آیین تدفین و نیایش، نمایش داده شده است. به‌نظر می‌رسد حضور کمان در اجرای مراسم آیینی این دوره، امری ضروری بوده است.

پارسیان، تیراندازی و سوارکاری را از مادها آموختند (فرای، ۱۳۶۸: ۱۵۴). در این دوره، کمان به‌طور کلی، سلاح ملی ایرانیان به‌شمار می‌رفته است و ایرانیان حتی در دید دشمنان خود (بنا بر نوشته یونانیان و رومیان)، بهترین تیراندازان بوده؛ زیرا کمانداران همیشه یکی از مهم‌ترین بخش‌های ارتش ایران را تشکیل می‌دادند (موسوی، ۱۳۹۰: ۱۷۷). برخی محققان، کمان را وسیله‌ای تعیین‌کننده برای یک سرباز ایرانی قلمداد نموده‌اند. اهمیت این وسیله به‌گونه‌ای بوده که باید از سن پنج سالگی تا بیست و چهار سالگی، مهارت در تیراندازی،

زوبین، اسب‌سواری و راست‌گویی را می‌آموختند (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۵). این سلاح نزد شاهان هخامنشی، افزون بر نشان دادن مهارت‌های خود در نبرد، در زمینه شکار و سرگرمی نیز دارای اهمیت بوده است. «کورش، شیفته شکار بود و به‌تنهایی بی‌شمار جانور درنده را می‌کشت» (بریان، ۱۳۸۵: ۴۷۹). در نقش برجسته بیستون که صحنه پیروزی داریوش بر شورشیان و هم‌چنین بیان تبار شاهی او است (شکل ۷)، شاه در حضور اهورامزدا و با اسلحه تیر و کمان مشاهده می‌شود (کخ، ۱۳۸۷: ۲۵-۱۸). به‌نظر می‌رسد کمانی که در این صحنه در دست شاه است، الگویی از نماد پیروزی باشد؛ چرا که قرن‌ها قبل از داریوش، آنوبانی‌نی شاه لولوبی نیز در حالی که کمانی در دست دارد، در حضور الهه اینانا، وقایع پیروزی خود را به نمایش گذاشته است (پرادا، ۱۳۸۳: ۳۶) (شکل ۸). در آرامگاه داریوش واقع در نقش رستم، همانند گوردخمه قیزقاپان، شاه در مقابل آتشدان، کمانی در دست چپ دارد (شکل ۹). هر چند کمان در این‌جا مفهومی آیینی دارد، اما داریوش در این کتیبه علاوه بر وفاداری به اهورامزدا (کخ، ۱۳۸۷: ۳۴۳-۳۴۱)، از مهارت خود در تیراندازی سخن به میان می‌آورد.

علاوه بر نقش برجسته‌های هخامنشی، نقش تیر و کمان در سایر آثار از جمله نقوش دیواری، سکه‌ها و مهرهای این دوره، بازتاب چشمگیری داشته است. تصویر تیر و کمان بر روی مهرهای متعلق به دوره هخامنشی نیز قابل توجه

علاوه بر نقش برجسته‌های هخامنشی، نقش تیر و کمان در سایر آثار از جمله نقوش دیواری، سکه‌ها و مهرهای این دوره، بازتاب چشمگیری داشته است. تصویر تیر و کمان بر روی مهرهای متعلق به دوره هخامنشی نیز قابل توجه



شکل ۶. نقش دو شخص ایستاده با کمانی در دست، گوردخمه قیزقاپان، سلیمانیه (ملازاده، ۱۳۹۳: ۴۵)



شکل ۵. نقش کماندار، طرح و مقطع اثر مهر مکشوف از نوشیجان، ملایر (ملازاده، ۱۳۹۳: ۱۶۵)



شکل ۸. نقش برجسته آنوبانی‌نی در مقابل الهه ایشتار، سر پیل ذهاب کرمانشاه (Vanden Berghe, 1983, fig 1)



شکل ۷. نقش کمان در دست چپ داریوش، نقش برجسته بیستون (URL: 1)

در نواحی سیستان که مضامینی از شکار در بر دارند، نقش تیر و کمان قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد که شکارچی، افسار را به حاشیه ارابه محکم کرده و در حالت ایستاده با هدف شکار گراز با تیر و کمان مشغول است (شکل ۱۲).

در دوره اشکانیان، سپاه به دو رسته «سواره نظام زره سنگین» و «تیراندازان سوار سبک اسلحه» تقسیم می‌شد. پرآوازه‌ترین آنها، «تیراندازان پارتی» بوده که پشت به دشمن، وانمود به فرار می‌کردند و در این حال، رگبار تیر، از عقب به سر دشمنان می‌بارید (ویسهوفر، ۱۳۸۱: ۱۸۹ و ۱۹۰). در این زمان، تیر و کمان، مهم‌ترین اسلحه جنگی و در خدمت ارتش بود؛ چنان‌که سواران سبک اسلحه پارتی با مهارتی که در تیراندازی داشته، در جنگ حران، مهلک‌ترین ضربه را به ارتش کراسوس وارد نمودند (کالج، ۱۳۸۰: ۳۷). نقش کماندار در این دوره، از قدرت نظامی و خاستگاه آنها حکایت می‌کند. کمان و نیروی کمانداران، قدرتی بود که اشکانیان همواره بدان مشهور بودند و موجب شکست و هراس دشمنان به‌ویژه نیروهای سلوکی و رومی می‌شد. عبارت «تیر پارتی»، قرن‌ها بعد به فرهنگ واژگان انگلیسی راه یافت (برومند، ۱۳۹۳: ۳). ارتباط اشکانیان با آرش کمانگیر، به دلیل مشابهت نام و هم‌چنین به نمایش درآمدن ارشک به صورت فردی کماندار روی سکه‌های پارتی است (Gutschmid, 1980: 743). در نقوش برجسته دوران اشکانی، کمانداری در حالت‌های مختلف به تصویر درآمده‌اند. در نقش سروک III شخصی

است؛ به‌عنوان مثال می‌توان به مهر معروف داریوش که در لندن نگهداری می‌شود اشاره کرد (شکل ۱۰). در این صحنه، داریوش سوار بر ارابه و در حال شکار و تیراندازی به یک شیر است (همان: ۳۱۶). تیراندازی در این جا فرای مضمون شکار، نمادی از قدرت و شجاعت پادشاه نیز به‌شمار می‌رود. سکه‌های «دریک» و «سیکل» هخامنشی، عموماً دارای طرح مشابهی هستند. در این نقوش، تصویر نیم‌تنه شاهنشاه، کمان به دست یا به‌صورت کماندار پارسی ترکش بر پشت، یک زانو به زمین زده و با یک دست زوبین را گرفته و با دست دیگر کمان را می‌کشد و در حالت دیگر، شاهنشاه کمان به‌دست در حال دویدن است و با دست دیگر نیزه را که مایل به زمین است، نگه داشته است. زانو زدن شاهنشاه، علامت نیایش اهورامزدا است (بیانی، ۱۳۸۹: ۶۵) (شکل ۱۱). از این‌رو در این شکل، اهمیت مذهبی نقش تیر و کمان مشخص می‌شود. برخی محققین معتقد هستند که این طرز قرار گرفتن، مشخصه کمانداران ایرانی در حال جنگ است. یونانیان نیز با در نظر گرفتن خصوصیات دریک و به‌سبب بازنمایی شاه به‌صورت کماندار بر روی این سکه، آن را «کماندار» نامیده‌اند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۸: ۱۲)؛ بریان، ۱۳۸۶: ۶۳۷). به نظر می‌رسد مضمون نقش سکه‌های این دوره، بیانگر نمادی از رسالت مهم پادشاه؛ یعنی حفاظت از سرزمین تحت فرمانروایی خود باشد. افزون بر سکه‌ها و مهرها، در نقوش دیواری مانند نقوش محوطه دهانه غلامان



شکل ۱۰. داریوش در حال شکار شیر، مهر، موزه لندن (کخ، ۱۳۸۷: ۳۱۶)



شکل ۹. نقش داریوش با کمانی در دست، نقش رستم، فارس (URL: 1)



شکل ۱۳. نقش یک کماندار در نقش برجسته تنگ سروک III، کهکیلویه (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۲۱۹)



شکل ۱۲. مرد ارابه‌ران در حال شکار و تیراندازی، دهانه غلامان (Sajadi, 2007: 148)



شکل ۱۱. نقش کماندار، سکه خشیایارشاه هخامنشی (بیانی، ۱۳۸۹: ۷۶)

آن دوره بوده است. این مهم به گونه‌ای است که عده‌ای، تبار آنان را به آرش کمانگیر نسبت می‌دهند. احتمالاً تیراندازی در این دوره علاوه بر ویژگی سلحشوری جنگاوران، به‌عنوان یک اصل و رفتار فرهنگی در اغلب آثار ارزشمند این دوره از جمله سکه‌ها، مهرها، نقش‌برجسته‌ها، نقوش دیواری و آثار تدفینی، تجلی یافته است.

منابع موجود دوره ساسانی، از توانایی برجسته جنگاوران در تیراندازی یاد می‌کند. ساسانیان خود را از اعقاب پارسی‌ها می‌دانسته و همواره به عظمت و اعتلای ایران و قدرت و اعتبار حکومت خود توجه داشتند. هر چند تیر و کمان یکی از سلاح‌های مهم آن دوره بود، اما نقش آن به‌صورت گسترده، در آثار هنری این دوره تجلی نیافت. «با توجه به توصیف رزم ساسانیان در شاهنامه، کمانداران پیاده در صف نخست و کمانداران سواره در صف آخر سپاه قرار می‌گرفتند» (Shapur Shahbazi, 1998: 497).

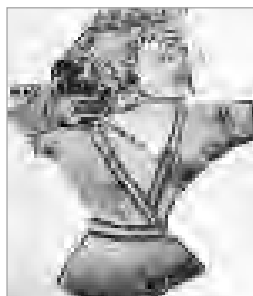
در این دوره، اثری از تصویر تیر و کمان در سکه‌ها مشاهده نمی‌شود. در نقش‌برجسته‌های این دوره که از آثار ارزشمند آن محسوب می‌شوند، تیر و کمان جایگاه گذشته خود را از دست داده و در حقیقت نقش آن محدود می‌شود. «از جمله نقش تیر و کمان، می‌توان به نقش تیردانی که به زین اسب شاپور در مجموعه نقوش برجسته بیشاپور نقش شده، اشاره نمود؛ هم‌چنین در نقش‌برجسته بهرام دوم که صحنه‌ای از مطیع بودن اعراب را به نمایش می‌گذارد» (موسوی حاجی، ۱۳۷۴: ۱۷۳) (شکل ۱۸). شاه، کمان و سه عدد تیر را در دست چپ خود گرفته است. وجود کمان در این صحنه، می‌تواند بیانگر پیروزی بهرام دوم در جنگ مقابل اعراب باشد. در طاق بستان، سنگ‌نگاره کنار طاق بزرگ، خسرو پرویز، امور شکار و شکارگاه خود را بر پهنه آب روان متمرکز ساخته است (شکل ۱۹). شکار در واقع، مضمونی کهن و مرتبط با قدرت شکست‌ناپذیر شاهانه را بیان می‌کرده است. صحنه‌هایی که شاه به‌صورت سواره یا پیاده با استفاده از

تیرانداز (شکل ۱۳) و در نقش برجسته خونگ یارعلی‌وند که احتمالاً صحنه اعطای منصب را نشان می‌دهد، تصویر دو شخص که هر دو تیردانی بر شانه راست بسته‌اند، مشاهده می‌شود (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۲۱۹-۲۰۳). در نقاشی‌های دیواری این دوره نیز کماندارانی به تصویر درآمده‌اند که از جمله آنان می‌توان به نقاشی دیواری دورا اروپوس اشاره کرد (شکل ۱۴). این نگاره تیراندازی متعلق به سده دوم میلادی، با مضمون شکار تصویر شده است.

با این که پارت‌ها در زمینه تدفین دارای شیوه‌های متنوعی بوده، اما همانند دوره‌های ماد و هخامنشی، بناهای تدفینی خود را در دل صخره‌ها و به‌همراه نقوش برجسته ایجاد نمی‌کردند. با این حال در برخی از ابنیه‌های تدفینی این دوره، شاهد آثاری از نقش تیر و کمان هستیم. در پرستشگاه شمی، تعدادی گور پارتی کاوش شد و در یکی از آنها، برخی قطعات صدف که احتمالاً زمانی اطراف جعبه را تزئین می‌کرده، به‌دست آمدند. یکی از این قطعات، یک کماندار پارتی را با زه کشیده نشان می‌دهد (همان: ۱۴۷) (شکل ۱۵). نخستین تصویر منقوش بر پشت سکه‌های اشکانی، تصویر اشک اول با کمانی در دست و بر تختی نشسته است (شکل ۱۶). این نقش که طی دوران پارت‌ها بر درهم‌ها دیده می‌شود، نشانه احترامی است که پارت‌ها نسبت به اولین شاه و سرور خود (که روزی بر اقوام پارتی قیادت داشته و آنان را از سلطه سلوکی‌ها خارج ساخته است) ابراز داشته‌اند. این نقش، مظهر قومی آنان شده و تیر و کمان که علامت زورمندی سلحشوران پارتی است، همیشه در دست اشک دیده می‌شود (بیانی، ۱۳۸۹: ۴۰). بر روی برخی از مهرهای پارتی نیز تصویر فردی در حال تیراندازی با کمان دیده می‌شود (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۲۴۲) (شکل ۱۷). در دوره پارتی هر چند سیستم اداری حکومتی ملوک‌الطوایفی حاکم بوده، اما همانند دوره‌های پیشین خود، سلاح تیر و کمان علاوه بر یک سلاح ارزشمند نظامی، به‌عنوان یک نماد سلطنتی و هویت ملی، سبب اتحاد سیاسی و فرهنگی جامعه



شکل ۱۶. مرد کمان در دست، سکه اشکانی (بیانی، ۱۳۸۹: ۶۴)



شکل ۱۵. تیرانداز، پلاک صدفی اشکانی (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۳۱۴)



شکل ۱۴. سوارکاری کماندار در حال شکار آهو، دورا اروپوس، سوریه (پاکباز، ۱۳۷۹: ۳۰)

کمان و شمشیر با حیواناتی چون شیر، گراز، قوچ و گوزن می‌جنگد، به‌وفور در ظروف سیمین این دوره آمده‌اند. بازتاب این سنت ریشه‌دار را به‌ویژه در داستان مشهور شکار بهرام می‌توان یافت (پاکباز، ۱۳۷۹: ۲۹) (شکل ۲۰). مهرهایی نیز در اواخر دوره ساسانی به‌دست آمده که داستان بهرام گور را در حال شکار نشان می‌دهند. این تصویر به‌دلیل محبوبیت و علاقه مردم به داستان بهرام گور و آزاده، در دوره‌های بعد از اسلام به‌ویژه نقوش سفالی دوران میانی اسلامی هم‌چنان رواج یافت (نفیسی و جزیره‌دار، ۱۳۸۸: ۲۲۲) (شکل ۲۱). در مورد نقش تیر و کمان در دوره ساسانی، می‌توان گفت این ابزار جنگی در برخی نقوش مربوط به این دوره با نمایش شکار و سرگرمی، با مفهوم نمادین و آیینی نیز به‌کار گرفته شده است.

کاربرد و مفهوم تیر و کمان در دوره اسلامی

پس از ورود اسلام به ایران، برخی از رفتارهای فرهنگی همانند بسیاری از سبک‌های هنری این سرزمین، ساختار خود را حفظ کردند. تیر و کمان در آثار هنری دوره اسلامی، به طرق و مضامین گوناگون تصویر شده است که از آن میان، می‌توان به صحنه‌هایی در ارتباط با مضامین شکار، جنگ، اسطوره و مفاهیم نجومی اشاره کرد. کمان در اسلام، با قدرت باری تعالی هم‌ذات می‌شود و کاربرد تیر آن، نابود کردن شر و جهل است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۶۰۳). با توجه به آیه ۸ سوره جن^۵ به‌نظر می‌رسد در دوره اسلامی، تیر، سمبل شهاب‌های آسمانی بوده و این پدیده آسمانی، با استفاده از مفاهیم نمادین در پیوند با نجوم بیان شده است. البته این احتمال نیز وجود دارد که از مضمون این ابزار، برای بیان تعبیری در مبارزه سرما و گرما و تغییر فصول استفاده می‌شد. یکی از ویژگی‌های تیراندازی در دنیای اسلام، حرمت و ارزش والایی بود که برای کمانگیران قائل می‌شدند. در این دوران، تیراندازی با کمان، نه‌تنها به‌عنوان یک تاکتیک

جنگی، بلکه از نظر فرهنگی و اعتقادی نیز جایگاه مطلوبی داشت. یکی از مهم‌ترین عوامل این فرآیند، توصیه‌ها و تأکید بزرگان دین اسلام به فراگرفتن امر تیراندازی است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید؛ حق فرزند (پسر) بر عهده پدرش این است که به او نوشتن، شنا کردن و تیراندازی را آموزش دهد و روزی او را تنها از راه حلال و پاکیزه تهیه نماید. هم‌چنین امامان شیعه، خود در تیراندازی زبانزد خاص و عام بوده‌اند؛ چنان‌که در روایتی، از مهارت تیراندازی امام محمد باقر (ع) در مجلس هشام سخن به میان آمده است (پاینده، ۱۳۵۶: ۲۹۳). امام جعفر صادق (ع) نیز می‌فرماید؛ تیراندازی خود، تیری از تیرهای اسلام است. اگر مسلمانان تیراندازان خوبی باشند، می‌توانند با دشمنان اسلام مبارزه کنند و دشمن نیز از آنها خواهد ترسید و فکر حمله به آنها را به مغز خود راه نخواهد داد (حر عاملی، ۱۳۸۵: ۳۴۸). هر چند در اوایل این دوره؛ به‌ویژه در دوره عباسی، کاربرد تاکتیک منجیق، از مهم‌ترین سلاح‌های سپاه اسلامی به‌شمار می‌آمد (هندی، ۲۰۰۴: ۱۹۶) و نقش مهمی در فتوحات سرزمین‌های غربی اسلامی داشت، اما مهارت در تیراندازی نیز از گسترش فوق‌العاده‌ای برخوردار شد. «مسلمانان، سلاح‌های جنگی مختلفی را در ناوگان دریایی ارتش خود به‌کار می‌بردند؛ مهم‌ترین سلاح دریایی آنان، کمان بزرگی بود که بر عرشه کشتی نصب می‌شد و با آن، کشتی‌های دشمن را منهدم می‌کردند (ماهر، بی‌تا: ۷۴). عباسیان در تیراندازی بسیار ماهر بودند تا جایی که سه مکتب تیراندازی در این زمان پدیدار شد» (مناظر احسن، ۱۳۸۰: ۲۶۹-۲۶۷). هم‌چنین در این زمان، کمان، شکلی گسترده و فنی‌تر به‌خود گرفته و در گروه ادوات سنگین جنگ قرار می‌گیرد؛ مانند قوس‌های سنگین الزبار و قوس الجرج^۶. از مباحث مهمی که در دوران اسلامی به‌ویژه در قرون اولیه مورد توجه قرار گرفت، موضوع نجوم بود. نجوم و ابزار نجومی در این دوران به‌دلیل ضرورت و نیاز در زندگی مسلمانان؛



شکل ۱۹. صحنه شکار گراز، طاق بستان، کرمانشاه (Curtis, 2006: 66)



شکل ۱۸. نقش کمان در دست بهرام دوم، بیسپاپور فارس (URL: 1)



شکل ۱۷. کماندار، مهر اشکانی (گریشمن، ۱۳۷۱)

با موجودی افسانه‌ای، ترسیم شده است (شکل ۲۵). به‌نظر می‌رسد، تداعی نقش کماندار و حالت تیراندازی او در صورت فلکی، نمادی از نگهبان و یا نبرد ایرانیان با انیران بوده است. در سده ششم هجری، کمان فولادی، یکی از کمان‌های کاربردی در زمان جنگ به‌شمار می‌رفت. کاربرد این کمان تا پیش از اواسط سده ششم هجری، در میان مسلمانان مرسوم نبود و پیش از این تاریخ نیز آن را برای محاصره قلعه‌ها و تیراندازی از فراز کشتی مناسب می‌دانستند، نه برای پیاده‌نظام. این نوع کمان را به‌راحتی نمی‌توانستند به‌کار گیرند؛ کشیدن زه آن نیروی زیادی لازم داشت و تیراندازی از پشت اسب، کاری پر دردسر بود. این نوع از کمان دارای رکابی بود که یک تیرانداز یک پای خود را در آن می‌گذاشت و زه را به‌وسیله قلابی که در انتهای یک قطعه طناب محکم استوار می‌شد، می‌کشید (حسن، ۱۳۷۵: ۱۳۵ و ۱۳۶).

در دوره مغولان و تیموریان، با برگزاری شکار، با هدف یک مانور نظامی، سپاهیان خود را به تیراندازی و شیوه فریب، محاصره و صید حیوانات شکاری، عادت می‌داده تا آنان همین فنون را در میادین جنگ علیه دشمن به‌کار گیرند. این شیوه تمرینات نظامی، برای شاهزادگان و جوانان که میدان جنگ

نظیر آگاهی از اوقات شرعی و جغرافیا و طالع‌بینی، به یکی از مهم‌ترین پدیده‌های علمی تبدیل شد. برج قوس در کتاب صورالکواکب (شکل ۲۲) و در نگاره‌ای از نسخه مونس الاحرار (شکل ۲۳) را به‌شکل موجودی نیمه انسانی - نیمه حیوانی (اسفنکس^۷) و در حال تیراندازی با کمان به‌سمت موجودی افسانه‌ای می‌بینیم. آنچه که در این تصاویر قابل توجه و تأمل است، پیوند اسطوره با پدیده نجوم بوده که در مفاهیم نمادین جلوه نموده است.

نقوش نجومی و صور فلکی در دوره سلجوقیان، برای تزئین ظروف فلزی و سفالی استفاده می‌شدند. در یک آبریز متعلق به این دوره، مفاهیم و اشکال صور فلکی و برج‌های دوازده‌گانه در دوازده نوار یا شیار عمودی ترسیم شده‌اند. هنرمند صنعتگر به زیبایی هر چه تمام‌تر، این اشکال نمادین را توسط نقره در درون ترنج‌های دایره‌گون حکاکی کرده است (شکل ۲۴). هم‌چنین در یک قلمدان برنجی، نقوش نجومی با تداعی برج‌های دوازده‌گانه، هر یک در دایره‌ای بر زمین‌های از نقوش گیاهی و اسلیمی پیچان، قلم‌زنی شده‌اند. برج قوس در هر دو ظرف قلمدان و آبریز، به‌شکل موجودی با سر انسان و بدن حیوانی و کمانی زه‌شده در حال مبارزه



شکل ۲۲. برج قوس، کتاب آرزوزه فی الصور الکواکب (آرشیو موزه رضا عباسی)



شکل ۲۱. شکار بهرام گور با کمان، مهر ساسانی (Ettinghausen, 1979: 28)



شکل ۲۰. صحنه شکار، ظرف سیمین، شاپور دوم (Haskins, 1952: 330)



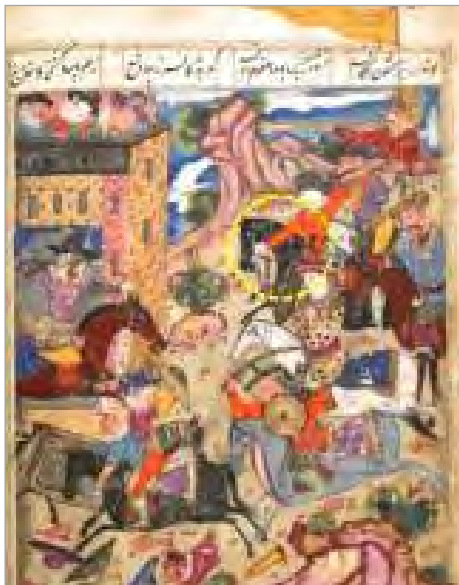
شکل ۲۵. نقوش نجومی برج قوس، قلمدان برنجی، ۶۸۰ هجری قمری موصل، موزه بریتانیا (Canby, 2005)



شکل ۲۴. برج کماندار، آذر بر روی یک آبریز متعلق به دوره سلجوقی (افروغ و نوروزی طلب، ۱۳۹۰: ۷۶)



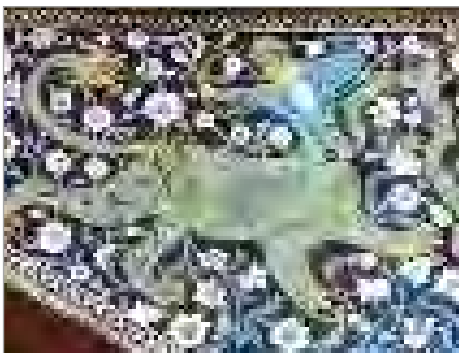
شکل ۲۳. نقش صور فلکی کمان در نقاشی از نسخه خطی مونس الاحرار (دیماند، ۱۳۸۳)



شکل ۲۶. کمان در رزم، نگاره گرفتن هرمز توسط امام‌قلی خان، نسخه جرون‌نامه (URL: 2)

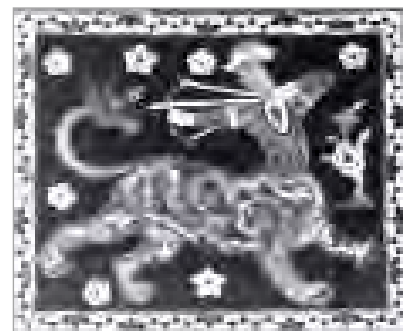


شکل ۲۷. کمان در شکار، گلیم ابریشمی زرینفت، سده دهم، موزه رزیدانس مونیخ (URL: 3)



شکل ۲۹. نقش کماندار، سردر بازار قیصریه اصفهان (URL: 3)

را ندیده‌اند، اهمیت بسیاری داشت (دین پرست، ۱۳۹۳: ۱۸). هنر تیراندازی در دوره صفوی، از سوی پادشاهان و اشراف حمایت می‌شد. بسیاری از سفرنامه‌نویسان، گزارش‌هایی از این نمایش‌ها داده‌اند. اولتاریوس، به شرح مسابقات تیراندازی در اصفهان پرداخته است؛ «در میدان جلوی عالی قاپو، میله‌ای برای نشان‌گذاری هدف که گاهی خربزه، هندوانه، سیب و یا یک سینی نقره‌ای پر از سکه بود، بر بالای آن می‌گذارند. سپس شاه و خاندان او در یک مسابقه شرکت کرده و به‌سوی هدف تیراندازی می‌کردند» (۱۳۸۵: ۶۰۸). مراسم و جشن، کمانداری و قیق‌اندازی در زمان شاه عباس دوم، در میدان نقش جهان انجام می‌شد (وحیدی قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۴۰). از دوره صفوی تا دوره‌های متأخر، نقش تیر و کمان در میان آثار متعدد هنری دوره اسلامی علاوه بر مفاهیم نمادین، جلوه‌ای تزئینی یافته و با توجه به دست‌یابی دولت‌ها در تکنولوژی سلاح، از نقش ادواتی آن کاسته می‌شود. این دیدگاه در غالب آثار هنری از جمله هنر نگارگری و قالی‌بافی، تجلی یافته است. در نگاره صحنه‌های نبرد در هرمز، در نسخه جرون‌نامه، شخصی با کمان زه‌شده در سمت راست نگاره به دشمنان می‌تازد (شکل ۲۶). در قالی شکارگاهی وین که یکی از نفیس‌ترین قالی‌های سده دهم هجری است، نقش شکارچیان در حال شکار حیوانات مختلف با شمشیر و نیزه و تیر و کمان دیده می‌شود (شکل ۲۷). در هنر کاشی‌کاری نیز شاهد نقش کمان با مفاهیم خاص هستیم. در یک نقش، تیرانداز با تن شیر و سر اژدها در انتهای دم تصویر شده است؛ پوشش این نقش، به دوره صفوی اختصاص دارد. هم‌چنین بر سردر بازار قیصریه اصفهان، نقش نیمه‌قدامی انسان در حال تیراندازی با نیمه‌تحتانی ببری و دمی همانند دم اژدهاگونه، نمایش داده شده است (اشکال ۲۸ و ۲۹). مقایسه مفاهیم نمادین تیر و کمان در دوره‌های مختلف، در جدول ۱ قابل‌مشاهده است.



شکل ۲۸. نقش تیر و کمان در کاشی صفوی (Calmeyer, 1972: 210)

دوره	آثار	محتوا
اسطوره	متون کهن	سلاحی شاهانه، نماد مهر، سرنوشت، دانش و خردورزی، صور فلکی و نماد آرش؛ شخصیت اسطوره‌ای ایران
پیش از تاریخ	سنگ‌نگاره، نقاشی روی سفال، ظرف فلزی	مناظر شکار حیوانات، قدرت، مشخصه ایزدان
تاریخی	عیلام	در پیوند با اسطوره و آیین، مشخصه ایزدان
	ماد	در ارتباط با رفتارهای آیینی به‌ویژه تدفین
	هخامنشی	نقش برجسته، مهر، سکه، نقاشی روی دیوار
	اشکانی	نقش برجسته، مهر، سکه، نقاشی روی دیوار، پلاک صدفی
ساسانی	نقش برجسته، مهر، ظروف فلزی	نماد پیروزی و قدرت، صحنه شکار
اسلامی	نگاره‌ها، منسوجات، کاشی‌کاری، ظروف فلزی	در پیوند با اسطوره، نجوم و صور فلکی، میدان رزم، صحنه شکار

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

ابزار تیر و کمان نه تنها نقش مؤثری در تحولات سیاسی و اقتصادی جوامع گذشته داشته، بلکه در ساختار فرهنگی نیز از جایگاهی مهم و برجسته برخوردار بوده است. هر چند این نگرش در ادوار مختلف یکسان نبوده، اما این فرآیند اغلب در ارتباطی معنادار با مفاهیم نمادین بیان شده است. تیر و کمان در اساطیر ایرانی، به‌عنوان نماد مهر، سرنوشت و خردورزی بیان می‌شود. در این راستا، کهن‌الگوی تیر و کمان در ارتباط با شخصیت اسطوره‌ای مانند آرش، بیان‌کننده جایگاه ارزشمند مفهوم این ابزار در اندیشه و تصور جمعی جامعه کهن ایرانی است. تأکید جلوه نقش تیر و کمان در آثار هنری دوره پیش از تاریخ، افزون بر جایگاه ویژه آن در امر شکار و اقتصاد معیشتی، بیانگر نماد قدرت و مشخصه ایزدان بوده و حتی نماد سلحشوری شاهان در این زمان، در ارتباط با رفتارهای آیینی، اعطای منصب و صحنه شکار بیان می‌شود. این نقش در دوره ساسانی بر خلاف دوره‌های پیشین، از ساختار مفاهیم آیینی فاصله می‌گیرد و در پیوند با مفهوم شکار، به‌عنوان یکی از شاخصه‌های مهم شاهی و هم‌چنین سمبل پیروزی بر دشمن تبیین می‌شود. در دوره اسلامی، کهن‌الگوی تیر و کمان به‌دلیل اشاعه فرهنگ و اندیشه اسلامی، از نشان قدرت و سلطنت و رفتارهای آیینی فاصله می‌گیرد و ساختار هویتی خود را به‌شکل منسجم‌تری در قالب مفاهیم نمادین به‌ویژه در ارتباط با نجوم و هم‌چنین صحنه رزم و شکار، نمایان می‌سازد. این فرآیند در دوره میانی اسلامی به‌دلیل رونق و رشد وافر آثار هنری، جلوه‌ای چشمگیر و قابل تأمل پیدا می‌کند. در دوران صفوی، هر چند به دلایل مختلف از جمله ظهور سلاح گرم، کاربرد تیر و کمان در تجهیزات نظامی از دست می‌رود، اما نقش چشمگیر آن در آثار هنری، اغلب در قالب بازی‌ها و سرگرمی‌های شاهانه، صحنه‌های شکار و رزم و هم‌چنین در ارتباط با نجوم تداوم می‌یابد. ارائه ایدئولوژی جدید توسط اسلام نه تنها از بعد ماهوی، بلکه از نظر ساختاری نیز بر نوع دست‌ساخته‌های هنری دوره خود تأثیرگذار بوده است. در این دوره، تیر و کمان با دوره‌های قبل از خود متفاوت دیده می‌شود؛ چرا که علاوه بر محتوا، اغلب در آثاری هم‌چون نگاره‌ها، کاشی و منسوجات تجلی می‌یابد. محتوا و مفهوم نقش تیر و کمان در آثار و شواهد بر جای مانده از ادوار مختلف، به

تفکیک بیان شده و مقایسه تطبیقی آنها قابل ارزیابی است. امیدواریم در ادامه، با مطالعات متمرکز و روشمند پژوهشگران در این زمینه، بتوانیم به شناخت ابعاد وجودی و مفاهیم نمادین این ابزار در هر دوره دست یابیم.

پی‌نوشت

1. Thanvar = Thanvan
2. Tigra
3. Tishtrya
4. Archer
۵. «وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلْتَثَّ حَرَسًا شَدِيدًا وَ شُهْبًا: (جن‌ها گفتند) و این‌که ما آسمان را جستجو کردیم و همه را پر از محافظان قوی و تیرهای شهاب یافتیم» (جن: ۸).
۶. قوس یا کمان، سلاحی در دو نوع سبک و نیمه‌سنگین با پرتابه تیر است. کمان‌های نیمه‌سنگین خود پنج نوع دارند و در قلعه‌گیری و نبردهای محاصره‌ای از آنها استفاده می‌شود که معمولاً نیروی انسانی بیش از یک نفر برای کار با آنها لازم است (محمدحسین، ۱۳۶۶: ۴۶).
۷. اسفنجس، نقوش ترکیبی انسانی با موجودات عجیب هستند که سری به‌شکل انسان و بدنی به‌شکل شیر بال‌دار دارند (عابد دوست و کاظم‌پور، ۱۳۸۸: ۸۱).

منابع و مأخذ

- آرشیو سفالینه‌های موزه رضا عباسی.
- افروغ، محمد و نوروزی طلب، علیرضا (۱۳۹۰). تحلیل و بررسی مفاهیم نجومی به‌عنوان شکل و صور تزئینی آثار فلزی دوره سلجوقی مطالعه موردی: آبریز برنجی. مجله نگره، ۷ (۲۱)، ۸۳-۶۹.
- استرابو (۱۳۸۲). جغرافیای استرابو (سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان). ترجمه همایون صنعتی‌زاده، چاپ اول، تهران: موقوفات افشار.
- اولئاریوس، آدام (۱۳۸۵). سفرنامه آدام اولئاریوس: ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی. ترجمه احمد بهپور، چاپ اول، تهران: ابتکار نو.
- بختیاری شهری، محمود (۱۳۸۸). بررسی و مطالعه سنگ‌نگاره‌های نویافته دشت توس. مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره اول (۱)، ۴۴-۲۱.
- برومند، صفورا (۱۳۹۳). کماندار، اومفالوس و اورنگ: بازشناسی دلالت ضمنی سه نماد بر سکه‌های اشکانی. مطالعات تاریخ فرهنگی، سال پنجم (۲۰)، ۱۴-۱.
- بریان، پیر (۱۳۸۵). امپراطوری هخامنشی. ترجمه ناهید فروغیان، چاپ چهارم، جلد ۱، تهران: قطره.
- _____ (۱۳۸۶). وحدت سیاسی و تعامل فرهنگی در شاهنشاهی هخامنشی. ترجمه ناهید فروغان، چاپ دوم، تهران: اختران.
- بیانی، ملکزاده (۱۳۸۹). تاریخ سکه از قدیم‌ترین ازمنه تا دوره ساسانیان. چاپ هشتم، تهران: دانشگاه تهران.
- بیرونی خوارزمی، ابوریحان محمد (۱۳۱۸). التفهیم لاوائل صناعه التنجیم. تجدید نظر و مقدمه جلال‌الدین همایی، چاپ اول، تهران: انجمن ملی.
- بی نام (۱۳۹۲). قرآن کریم. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ اول، قم: اسوه.
- پاکباز، رویین (۱۳۷۹). نقاشی ایران (از دیرباز تا امروز). چاپ چهارم، تهران: زرین و سیمین.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۵۶). نهج الفصاحه. (سخنان پیامبر اکرم (ص))، چاپ اول، تهران: جاویدان.
- پرادا، ایدت (۱۳۸۳). هنر ایران باستان. ترجمه یوسف مجیدزاده، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- پورداوود، ا (۱۳۴۶). کمان و تیر. مجله بررسی‌های تاریخی، سال اول (۱)، ۴۵-۲۹.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۵). وسائل الشیعه. چاپ هشتم، تهران: اسلامیه.
- حسن، یوسف (۱۳۷۵). تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی. ترجمه ناصر موفقیان، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.



- حکمت، علیرضا (۱۳۵۰). آموزش و پرورش در ایران باستان. چاپ اول، تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی.
- خدایار، ابراهیم و امامی، صابر (۱۳۸۹). آخرین تیر بررسی تطبیقی اسطوره آرش و فیلوکتتس. فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ۱ (۳)، ۸۶-۶۱.
- دیماند، موریس اسون (۱۳۸۳). راهنمای صنایع اسلامی. ترجمه عبدالله فریار، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- دین‌پرست، ولی (۱۳۹۳). کاربست‌های نظامی شکار در فتوحات دوره ایلخان و تیموریان. پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم (۲)، ۲۹-۱۷.
- سرفراز، علی‌اکبر و آوزرمانی، فریدون (۱۳۸۸). سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه. چاپ هفتم، تهران: سمت.
- شوالیه، ژان و گبران، آلن (۱۳۸۸). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضالی، چاپ اول، جلد ۴، تهران: جیهون.
- صدیقیان، مهین‌دخت (۱۳۷۵). فرهنگ اساطیری - حماسی ایران به روایت منابع بعد از اسلام، تاریخ پیشدادیان. چاپ اول، جلد ۱، تهران: سمت.
- عابد دوست، حسین و کاظم‌پور، زیبا (۱۳۸۸). تداوم حیات اسفنجس‌ها و هارپی‌های باستانی در هنر دوره اسلامی. نگره، سال چهارم (۱۳)، ۹۲-۸۱.
- فرای، ریچارد (۱۳۶۸). میراث باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۸). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق، چاپ دوم، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- کالج، مالکوم (۱۳۸۰). اشکانیان. ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ اول، تهران: هیرمند.
- کخ، هایدماری (۱۳۸۷). از زبان داریوش. ترجمه پرویز رجبی، چاپ دوازدهم، تهران: کارنگ.
- گریشمن، رمان (۱۳۷۱). هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی. ترجمه عیسی بهنام، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۷). ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- ماهر، سعاد (بی‌تا). البحریه فی مصر الاسلامیه و آثار الباقیه. مصر: دارالمعارف.
- محمدحسین، محسن (۱۳۶۶). جیش الصلاح الدین. مجله المورد، ۱ (۶۴)، ۵۰-۴۵.
- محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۸۷). باستان‌شناسی و هنر اشکانی. چاپ اول، تهران: سمت.
- مصفی، ابولفضل (۱۳۵۷). فرهنگ اصطلاحات نجومی. چاپ اول، تبریز: دانشگاه تبریز.
- ملازاده، کاظم (۱۳۹۳). باستان‌شناسی ماد. چاپ اول، تهران: سمت.
- مناظر احسن، محمد (۱۳۸۰). زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان. ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- موسوی، مهرزاد (۱۳۹۰). جستاری در پیشینه هنر هخامنشی. چاپ اول، شیراز: رخسید.
- موسوی حاجی، سید رسول (۱۳۷۴). «پژوهشی در نقش برجسته‌های ساسانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، باستان‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- نفیسی، سعید و جزیره‌دار، عبدالکریم (۱۳۸۸). تمدن ساسانی. چاپ سوم، تهران: اساطیر.
- نکونام، طاهره (۱۳۹۰). "جایگاه و نقش تیر و کمان، تیردان، از دوره هخامنشی تا اشکانی بر اساس منابع باستان‌شناسی، منابع مکتوب و زبان‌شناسی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، باستان‌شناسی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- وحیدی قزوینی، محمد طاهر بن حسین (۱۳۲۹). عباسنامه یا شرح زندگی ۲۲ ساله شاه عباس ثانی. به کوشش ابراهیم دهگان، چاپ اول، تهران: کتاب‌فروشی داوودی.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۸۴). کاوش رصدخانه مراغه. چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- ویسهوفر، یوزف (۱۳۸۱). ایران در شرق باستان. ترجمه همایون صنعتی‌زاده، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هرودوت (۱۳۸۹). تاریخ هرودوت. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چاپ اول، جلد ۱، تهران: اساطیر.
- هندی، احسان (۲۰۰۴). الاسلحه و الات القتال عند العرب و المسلمین. چاپ اول، دمشق: مرکز الدراره العسگریه.

- Calmeyer. P(1972). **Das Tier in der Kunst Irans**, linden- museum, Stuttgart.
- Canby, S.I. (2005.). **The British museum**, Islamic Art in detail, London, The Trustees of the British museum.
- Curtis, J.H. (2006). **Ancient Persia**, London, British Museum Press.
- Ettinghausen, R.H. (1979). The Taming of the Horror Vacui in Islamic Art, **Proceedings of the American Philosophical Society**, 123/1, pp: 15–28.
- Gutschmid. A. (1980). **Geschichte Irans and Seiner**, nachloarlander.
- Haskins, J. F. (1952). Northern Origin of Sasanian Metalwork, *Artibus Asiae*, Vol. XV, 3, Switzerland , pp. 241-267.
- Miller. A (1986). McEwen. E & Bergman. C, Experimental Approaches to Ancient near Eastern Archery, *World Archaeology*, Vol. 18, No. 2, Weaponry and Warfare (Oct., 1986), pp. 178-195.
- Negahban. E.O. (1991). **Excavations at Haft Tepe**, Iran, Philadelphia: University Museum Monograph.
- Sajadi, Seyed Mansor (2007).
- Shapur Shahbazi, A.R. (1998) Army, The Sasanian period. **Iranica**. ed. by Ehsan Yarshater. New York: Mazda Publisher. vol. 1, P.P. 496-499.
- Vanden Berghe. L (1983). **Reliefs rupestres de l'Iran ancien**, Brussels: Musees Royaux d Art et d Histoire.
- Zutterman, C.T. (2003). The Bow in the Ancient Near East, a Re-evaluation of Archery from the Late 2nd Millennium to The End of the Achaemenid Empire, *Iranica Antiqua*, XXXVIII, 2003, PP 120-165.
- URL 1: www.google.com/url?sa&rct (access date: 2016/10/22).
- URL 2: www.bl.uk/manuscripts/Viewer.aspx?ref=add_ms (access date: 2017/12/09)
- URL 3: www.google.com/image?imgurl (access date: 2017/09/12).



Received: 2019/05/13

Accepted: 2019/09/24

Reflect the Position of the Role of the Bow and Arrow in Iran's History and Culture

Fakhredin Mohammadian* Khadijeh Sharfikazemi**
Reza Mehrafarin***

3

Abstract

The antiquity of bow and arrow in Iran extends beyond the history and goes back to the era of myths. This weapon was considered not only as a tool used for hunting and military purposes in the political structure and livelihood economy of ancient Iranian societies, but also it has had a special and considerable status in the past history and culture of this country in relation to symbolic concepts. In the process of history, the significant and impressive manifestation of this instrument in the valuable and excellent artistic and national works implies the importance and significance of this instrument in expressing the ideology as well as the political and cultural structure of Iranian society. The present research, by studying the reflection of the role of the bow and arrow in artworks, seeks to answer the following question: How have the symbolic identity and status of the bow and arrow appeared in the process of history and culture of Iran from prehistoric eras to the Islamic period? In terms of nature and methodology, the current research has been carried out with a historical-analytical approach and the data collection has been performed using a library method. The purpose of this research is to identify and explain the concept of the role of the bow and arrow in the works remained of the past Iranian eras. The results indicate that the role of the bow and arrow in the prehistoric works and the valuable art works of the historical period, including the Elamite, Median, Achaemenid and Parthian periods, such as rock reliefs, seals, plaques, wall murals and coins, in addition to their critical effect on military techniques and operations, has also manifested in relation to the symbolic and cultural concepts of their time. In the early Islamic era, the bow and arrow archetype, due to the emergence of Islamic culture and thought, diverged from the symbolic meanings of its previous eras, and often manifested its identity structure in the form of symbolic concepts, especially in relation to astronomy. The presentation of a new ideology by Islam not only influenced the physical aspect but also the structural aspect of this type of artifacts. In this period of time, the bow and arrow often appeared in paintings, metal containers, tiles and textiles. Although the political and cultural structure of societies varies in different times, what seems important is to preserve the semantic aspect and the status of symbolic concepts of bow and arrow in the process of historical and cultural developments and changes in Iran.

Keywords: The Bow and Arrow, Symbolic Concepts, Artworks, Past Times, Iran

* Ph.D Student, Archaeology, Faculty of Art and Architecture, Mazandaran University, Babolsar.

** Ph.D Student, Archaeology, Bu-Ali Sina University, Hamedan.

*** Associate Professor, Faculty of Art and Architecture, Mazandaran University, Babolsar.